

بدانید که انسانها دو گروهند، گروهی که سرشت نیک دارند و گروهی که سرشت بد دارند.

**حجاب، حایل اطراف شخص است،** حایل شخص، گفتار و اعمال اوست، شخصی که مثبت است گفتار و اعمالش نیز مثبت است و شخصی که گفتار و اعمالش منفی است نمیتواند خود را به شخص مثبت نزدیک کند، پس چنین است که ما بین این دو گروه حجاب است و نمی توانند این دو گروه به هم نزدیک شده و با هم ارتباط نزدیک و دوستانه داشته باشند.

**بر وجود انسانهای اطراف خود دقت کنید و این دو سؤال را جواب دهید تا آنکه بتوانید ابزار انسانی اطراف خود را شناسا شوید و آنگاه یا در خدمت آنان باشید و یا از توان آنها با استفاده از مشارکت استفاده نمائید و همیاری داشته باشید،**

**سؤال اول، آیا گفتار و گویش های شخص مثبت است؟**

**سؤال دوم، آیا شخص دارائیهای خود را صرف راه خدا کرده است؟**

کسانی که طی طریقت راه خدا می نمایند، اینان دعوت کنندگان هم نوعان به راه خداوند نه پیوند گسستگان راه

الهی، اینان پیوندهای شیطانی را گسسته و پیوندالهی را برقرار می نمایند، مردان خدا مودبند و همان گونه که باد ابرهای سنگین را حمل می کند و بر زمین مرده بارش می کند آب را، تا آنکه زمین مرده بدین رحمت سرزنده شود، ادب مردان خدا باعث می شود که خداوند بار دانش را بر وجود آنها نهاده و آنها را به سمت شناخت خداوند و دیدار معرفت خدا سوق خواهد داد.

فرصت داده شده را غنیمت دان و خود را از قید و بندهای وابستگی به خاک، نجات بخش و با ستایش و خدمتگذاری خالق، خود را سمائی نما.

انسان باید بداند روزی است روز حساب، که ساعت آن معلوم و نگاشته شده لوح ازل، ساعتی پیدا برای آفریدگار و پنهان برای مخلوق، آن لحظه آزمایش برای کل انسانهاست، امتی بودید پیوسته که برای هرملتی پیامبری برگزیده شد برای راهنمایی، آنگاه که متفرق شدید با علم و دانائی و هرگروهی راهی برای خود پیش رو گرفتند، بدانید آنان که بر اساس دانائی حرکت نمودند خالق مرتباً بردانش و معرفت آنها افزود و آن گروه و ملتی که راه جهل و نادانی نسبت به خداوند پیش گرفتند مرتباً غرق به جهالت

خود ساخته شدند.

هر شخصی ذخیره وجودی خود را خواهد شناخت، بدانگونه که اطاقی تاریک و ظلمانی را پرمی نمائید از محصولات بدست آورده خود، حال محصولات نیکی آرامش بخش و محصولات جهالت و نادانی ها زشت و وحشت آفرین، فی الحال نمی دانید و نمی بینید که در این اطاق تاریک چه انباشته دارید، آنگاه که فرمان خدا مبنی بر روشنی این اطاق های وجودی شما صادر شد تنها به یک لحظه هر شخص انباشته های خود را خواهد دید، آنگاه که همه انباشته ها مثبت و مفید باشد شخص به آرامش ابدی خواهد رسید و چون انبار از زشتی ها و فسادها باشد وحشت پایدار وجود خواهد شد، در حال حاضر انسان ها چون دانش آموزان هستند که مرتباً درس الهی، آموزش آنها شده است و هر شخص مسئول است که دروس آموزش داده شده را فرا گیرد و به آنها عمل نماید، انسان مرتباً دچار استرس است که این استرس ناشی از عدم آگاهی نسبت به زمان و لحظه قیامت است، لحظه ای که چون خداوند اراده نماید به سرعت چشم بهم زدنی عالم گیر خواهد شد، آنگاه که دانش آموزان جهت امتحان آماده می شوند همگی استرس

دارند چه از گروه ممتازان باشند یا از گروه جاماندگان و اما هنگامی سؤال ها برای جوابگوئی پخش می شود ممتازان خواهند دانست که همگی سئوالات را جوابگویند پس استرس آنها تبدیل به آرامش خواهد شد و اما گروه غفلت کنندگان از تحصیل چون هرچه خوانند جوابی نیابند استرس تبدیل به وحشت خواهد شد که چه باید انجام دهند، حال فرصت تمام است و هر دانش آموز نمره خاص خود را خواهد گرفت، حال از خود سؤال کنید که چگونه است که امروز به دنبال تحصیلات عالی نیستید و منتظر هستید که فردا برای شما جایگاه عالی در نظر بگیرند، **آیا این گونه خواستاری جاهلانه نیست؟**

بدانید از گذشته تا به حال به روشنی، روز حساب را پیامبران تشریح نموده اند، گفته شده است هرچه را که باید می دانستید، حال عمل کردن کار خود شما است معلم درس خود را داده است و این دانش آموز است که باید درس را بیاموزد برای روز امتحان، روز امتحان، معلم آزمایش نمی شود بلکه این دانش آموزانند که باید جوابگو باشند.

**آیا تصور شما چیست؟**

فکر می کنید که درس را برای معلم می خوانید، بسیار نادانید درس، آموزش شما شد که آموزش یابید و خود را از قید و بندها نجات دهید، درس داده نشد که شما ابراز نظر کنید، کسی از شما اعتقاد و ایمان شما را جویا نشده است که چه ایمان و اعتقادی دارید، گفته شد که باید چنین باشید، چون گذشتگان نباشید آنجا که کلامی برای شما سخت آمد آنرا نشنیده بگیرید، کلام را قبول کنید ستایش پروردگار را بر این دانسته ها به انجام رسانید، شاکر و سپاسگزار باشید تا آنگاه خود علم و آگاهی یابید.

آنگاه که خواهان علم و آگاهی باشی فشارهای زیادی وارد خواهد شد تا که بتوانی عادل باشی و صاحب منطق عدالتگرا گردی، فشار جبر، توانائی های نهان را آشکار خواهد نمود.

آنانی که اهل منطق و عدالت باشند و خود از جویندگان راه معرفت، خواهند دانست حُسن کلام الهی را و آنان که تحقیقاتی از گذشتگان نداشته اند و کلامی از کلام های بزرگان گذشته را ندانسته اند و عمل ننموده اند بدانند که خود ناتوانند در جهت حکم کلام حق و الا کلام الهی هرگز وهم و خیال نیست بلکه تنها حقیقت محض است، آنجا که

ناتوانید در جهت فهم کلام حق باید خود را توانمند کنید و توانمندی شما آن است که مطالعه و تحقیق داشته باشید راجع به بزرگان گذشته و بدانید حقایق را که آنان به عیان آورده اند تا آنگاه بتوانید درک و فهم نمائید.

انسان منطق نگرانکاری نمی کند بلکه تحقیق می نماید، مطابقت می کند، جستجوگر است، اهل تفکر و عمل است، آنانکه احترامی به کلام قائل نیستند خود را بی نیاز می پندارند و فکری نمی کنند توانمندی های ظاهری آنها در همه حال جوابگوی آنان است به همین واسطه تحقیقاتی ندارند و جویای علم و معرفت نیستند و تنها هنگامی گرفتار عذاب های خود ساخته می شوند باز هم تنها دنبال راه رهایی از عذاب و فشارها می باشند و الا اصلاً جویای خداوند نیستند و اگر دمام آرامش و راحتی افزونتر نصیب آنان شود حتی لحظه ای هم یاد خدا را نخواهند نمود، چنین است که تحقیق های معنوی را انکاری می کنند، آنان که نتوانستند، بشناسند، تنها راه چاره و فرار خود را از هشدارهای درونی، راه انکاریافتند.

انسان با بهره مندی از فرامین انبیا و اولیا خداوند باید با اجرای عمل نمودن قادر شود گامی فراتر بردارد، و بداند که

دایره دانش و توانائی خداوند بی حد و حساب است، تلاش کنید تا آنکه حداقل، بهره مند از جزئی از دانش و معرفت الهی شوید.

**خاصیت انسان کنجکاوی، جستجو، تحقیق، تفکر و پذیرش است، خاصیت اصلی خود را هرگز فراموش نکنید، کنجکاو باشید، سؤال کننده از خود باشید هیچ جوابی را به سهل پذیرا نباشید، سؤال نمودن و کنکاش جواب فشارهای زیادی را بر چهارچوب شما وارد خواهد کرد و شما باید تحمل فشار کنید تا بتوانید به جواب های منطقی دست پیدا کنید.**

آنجا که فشاری نباشد آموزش علمی در کار نخواهد بود، هرگاه دانشجویی تحت فشار استاد واقع شده است باید بداند که با توجه به تحمل فشارهای وارده از طرف استاد خود و اجرای عمل نمودن دستورات استاد قرار است بردانش او افزوده شود.

این بدانید که هرچقدر فشارهای وارده سنگین تر و بزرگتر باشد نتیجه و تفکر بر آنها، فهم و درک و دانش بالاتری خواهد بود، آنجا که استادی تحت فشار وارده از سوی دانشجویان قرار می گیرد، باید بداند که فشار وارده در جهت دانایتر

نمودن بر او وارد شده است، پس دانشجویان استاد، هرچقدر پرسؤال تر باشند بهتر کمک به همواری راه برای خود و استاد خویش خواهند نمود تفکر و تعمق در راه رسیدن به خداوند سؤال برانگیز است و شخص باید قدرت تفکر خود را بکار اندازد و مرتباً نسبت به شناخت خداوند تفکر نماید، و تعمق یعنی به عمق فرو رفتن، دقت کنید که غواص به عمق دریا رفته و آنگاه نسبت به عمق وارد شده مرواریدی صید خواهد نمود، غواص برای وارد شدن به عمق آب بهره مند از تجهیزات است، **نیاز شخص برای وارد شدن به عمق دریای دانائی چیست؟** نیرو و توانمندی انسان، فکر و منطق اوست.